(۲۷) جادی الثانی ۱۹۲۱ (۹) فرریه ۱۹۲۴ می میده در ۱۹۲۰

المراكبية وجه اشتسسراك والمعالم الأراك الماسية المراكبة المستسراك والمستسراك والمستسرك والمستسراك والمستسرك وا

the transfer of the second of خارجه بني أن ما يعلاوه اجرت است به معمود به أبود الم

1111

ماحب امتياز ومدير مساول : داور نماينده دارالشوراى ملى

منحه اول منفحه دوم و سوم

خفحه جهارم

🐃 🖘 معال اداره : طهران خيا بان علاء الدو له

شیاست محار جی

اجتمال إونوع لجنلك المراج

و ایران اخبارسی کهاخیرا از اروپارسپده موحشمي باشند ه در حسب اطلاعات ازانش رويتر فر مانده كل فواي يو نان أعلام داشته که چون قوای عثمانی به طراس شرقی داخل شده و مخالف بأ قرارداد مداينة ٌرّنتار نمو ده ديكر مُنْطَقَهُ لِنَيْ عَلَمُ فَ لَوْجُودٌ لَدَّالُودُ وَ و الني هاهيج أسهديك ندار د ما بناد ابن قول داد متارکه جنك بهم خورده است

ایا طرفیق فرواشروع استخاصه ایر استراک با نه ۹ خواهند کرد یا نه ۹ ره در این معنقله قیرمشو ح این مضاله the least of the state of the law of

والمالد واظراين شروع الخامات المتناطية ندوده قواة و سفاين بنكى خود را ندرک می دهند و عون راقد اماتی که زمام داوان در این قبیان موارد بنمل مي اور ند معني است فقط می اُنوان از جزئی آخبارے که بما می زييد وخيامت و ضيات را استنباط ، A 4 4 1 -4 1 - 4 1 - 6 1 - 5 - 5 - 5

الكون هرولاي حنك دنيا را الهديد سيكند . موقع فرارسيد مسالكي که نزدیك به میدنهای جنك هستند وسايل خفاع خود را فراهم سازند ب ولي ما ك برحسب عادت د يرينه = غافل نشسته و مملکت مادار ای حکومت مستولهم نيست و حال انكه احتمال کلی دار د در صورت و توعجنات ایر ان ميذان مبارزه واقع شود

أراء ما بابد اختلافات کو چك شخصي و خو بی رافر الموش کر ده رئیس الوزرا را تقویت کنیم تا کابینه خود را هر چه زودتر تشکیل دهد 🛴 🛴 💮

من حوادث ممكن است ابا سر عت برق بو قوع پیو نده بنا بر این ایر ان محناج به دولتی است مقندرکه معل

اتكاء ان پارامان 🕳 اخراب — تمامر مملكت باشندامروزفقط باأبراز اقتدار-عزم = اتحاد است كه مَّا ميتو اليم منافع خوذرا تحفوظ داريغ

تا زمانی که اوضاع بین المللی و خامت حالبه را د ارد باید در مجلس و درجراید از منافع شخصی یا حزبی لام نزدو فقط منافع مملکت را درنظر

ما از پارلمان شد احزاب جراید واز تمام مملكت تقاضا داريم كهدست إلد ست داده اتحاد كا ملى أيجاد كر ده دولت اتبه را تقویات کند تا جو اند از مهده معوایت بزرکی که داردبر اید همجنين أزا قبلي رئيس الوزرا ورخو است مي کنيم که باهميت موقع تو جه اړ موديم هرچه زو هتر د ولت مساول را اشكيل ا و بانجام وظایف مهمه که متو جه او المن القدام فرمايند

از منائل الشاديه المالا

يه وبدو بت قرميما قتصادي عالم من علمائ على اقتصاد دالما فقساما واراد كه عالم ترميم شود. كنيرانش حاى بيواللل ليز همين مرخواست برا از دنيا دارند فيلا إيد ديد عاجيز طراب قده ك عاج به قروم الت وضعيت روابط الصادي بين المالي بنعوي كم بيش" از سجنك ١٩١٤ ق وجود وانت م

از تنطبه نفار اقتصادی عمالك مالد در ۱۹۱۴ بساد ارع الميم شد بود : عالك صبق و عالك فلاحق • ماالك سنتعق المنتز در آدویای غربی و ادویای مرسطتری م بعدين اموله آفت انكاستان و آلفان بودي در این ممالك عه وكاركر بیشتر ازبزرگر وجود داشت شهر های وسیم آن علی از صلمت گر بود که هم احتیاج بادوته داشت ر تُعَمَّ مُواذُ خَامَ ﴿ مَنَا بِنَا ۚ بِلَوْ ابْنَ مِرَاى وَادْيَةً ۚ قيمت آفرقه و مواه خام مجبور مودند به مقدار فوق الماده محسولات صلى به عالك فلاحتي ارسال داشته و در هوض احتياجات حود را از آن عالک دریافت دارنه این ﴿ وَرَ خُلِيْتَ إِلَّ أَوْعٍ دُورُواسَالِمِهُمَّالِكُ صابعتی را محاصره کرده بود : هرجه آبیشتر.

ملسوحات بایه حل، بخارج می کردند مجنون بودند زیاد تر پنیه وارد کنند و مرجه بیشتر پنبه وارد می کردند مازی می شدند: زيادتر منسوجات پنيه بعفارج حل كالمد هرجه نبشتر از مسوجات خود انع مَق ارهاد سه و

بنا بر این اوانافی آن ما در ازدیاد کارگر افرون مهشد - بيشتر أن جميت مراحكن صنبق أضاف، شده و بيشتر احتياج با فرقه بيدا مي گرداد . از طرف ميگر جون بر عد، صنعت گران علاوه می گشت بر مندار مصنوطات آفروده می شد. وجون نیام آن در دا مل مرف ندائت لزوم حل آن بخارجه شدیدنیر میکشت امضی از عمال**ک** مانند فرانسه کا،

شبيه به عالك مامق أبرد زيراله عده زادى از أهالي آن دهقان و تسات مهى از آذوقه خُودُ وَأَ الْهِاسِمُ مَنْ كُرِدَادُ * الْسِيالِي حِلْمِهِ فلاحق اش بر جنبه سنمي آن غابه مانت و روسیه بیشتر از فرانسه و اسالی سینه فلاحق داشت ريرا محسول مدده كه يخارج می فرستاد گندم و حبوبات بود 🖈 اما آمام ابن عاملك رقه رقه از حلية ملاعق آن ما كانته الله و جزو شالك شلتي البلدالما ور منائل ابن مسالك منعن أو أبد سَادَى مُدالك الرحان الود كم عبد في الراد نداشت و ببشامر عوالا علد او حبوبات و الملوقة بخارتجه مفرستاداد اازوني بالونود يسط منت خرود ابن قدته اود و أخريد كان جنوبي - استزالية _ عين فيز أز متاللاه فلاخق ودهد مالا

بن ان در نوم ملک هوی و على إلى الزع تعادل البعاد في مده وو " المن از (ابر الرس ايرس) كالم الدرك - يعم من طريد و در موس مادين آلات فلالعني و الكنوليو الله مي فروخت معاملات مذكوره را عكن ابود در روى لفته بدين أَوْ أَبِبُ وَسُمْ كُوْدَ كُلُ وَوْ الْرُويَ " شَاهِراء عاى بررك عالم كنى ها در سبن اياب جوال ما و كبيمه على موااد عام حل من حكودلد و در دهاب معملومات مختفاه . البله بعشي اوقات من الله م عالك المنتي زيادتر أز أيمت مُصْلُوعاتُ أَرُّمُ اللَّهُ مُعُود ﴿ أَدُونَهُ ﴿ وُمُوادُ عام حل می کو دند و در این صورت آماهل يواسطه وادوره وفاوت عمل بطلا ي بابروات تجارتن برجود می املی به میاد در برد والمسم المعكاون عمام أين أدامل يهم طورده است - حِكُونه ﴿ اقتصاداؤُونَ أَمَالُمْ وَ وَمَامِهَارَانَ مَى تُوالنَّـد إِيْنَ تُعَاوِّلُ رَا أَزُّ قُوْ فِراهِم

واراتورايي

The state of the s

الملام، مذاكات در جلسة أوم پنجشته ۱۹ دلو ۱۳۰۱

تجلس دو ساعت بظهر در تموت رياست آقاى - و تمن الملك أشكيل شد وأبورت نهابندكي آقاى سيهدا و إعظمان تُنْعَبِهُ أُولَ وَشَادِهُ ۚ إَوْدَ ۚ قَرَانَهُ ۚ ۚ ۚ وَ ۗ جُبْدُونَ عَالَقِي لَبُود الْمَخَدُ وَأَي أَشَدَهُ قَصُو أَيْ أَرْ دَيْهِ البعد أَدُرِ أَنْ رَابِرِتُ كَسَابُونَ عَمَايِسُ يُ وَ م خمتی راجع إدر الله و درو دارو آنای تا این

مُعارِّج و بشرخصي ايشان کي بواسطه کساء آت

من اج اتا شاشده اود الحدد رأى شده أصوالب Den W. Margan V. My

الفاق ملك الشعرا - شرح منطى مبنى برعدم آزادی هنیده در مملکت و اختلافات عقابد در ادوار احکدشته تقلیلیه اظهار ودر خصوس قانون انتخارات عقيده داشتاد سك اين هم يك فكر و عقيده : أي المرت ك ارای جنی بیدا شده و آن را بایسی محترم شمرد مدت زيادى اعضاء كاسيول دراينخسوس رحت كديده اند خوب احت به مجلس بيايدو مطرح شود و نیمز اظهار "داشتندکه برای این که عناید بیش از این تهدیداشرد نیایستهاجاز، أداد كه بيش از باين درة خارج مجلس و در مرابه در اطراف استه ابن گفکو شود الله الله البات - باقديق المهارات آقاي ملك الشراء در خصوس البودق آزادي عنيده الظهار المائند كه صوح امرون يكورقه فوق العاده إمن وارد شد كه در آن بنين فحتى داد. است من ميخواهم دقع كاماز حتول طودم و الاعلامي كدو آن ورقامور د حله عده والد أما يجون طرف ظن من يكي دو نفر از وسكال استند و من مدر ازاول التلابايران فاكتون بالكمامن خدمت كردمام ال مال والت اكانها مل كند المدع الدوي النوغ عودكما ين سقة وابتوسط شاب الفايد أقلى مندنار الفلطة بيش تهاؤ كرواد كه ابن مذا كرات موكول بجاسه علموسى، يه فراسكسبون شود و توضيح دادلد كه كسبت به اظهارات آتای فجات این پیش آباد را

وس أز ملاحظه و رقه صحاح خدمت رقبس شرفیایی حال و مطالب را همش و تفات ای عهارة المعدوسي در دم عالا كادر جعلي الماكراتي واجع بعدم آازادی عقیده شد یاده کم به نویه خود از مقامر فاست اجاره طلبیده و غرايش خود را عرض ور جددا مم ندكر مي دهم كه قالون و أناظام أول قدمش در ابن جا است أو بأيسق از ابن جا شروع شود القاشا من حسمته كم يا يك كسوراني اشكيل شود إ أوشه شوه: حسمه بروندفلان به معليمه کار میان و به بینلد این بول را کی دادهاست و این سی نفر اهالی چه اشمناسی هستند

أَقَائِ رَئِسُ فَرَمُودُنَدُ كُمَّ أَبِنَ لِمَاضًا سايقه مدارد و موكول بابن است كه درجاسه عموسی مذاکره کلید الله الله المات اظهار داشته که در موقع

تنفس تفاضاي مجلسه خصوصي ميكند بين أز آن ماده واحده أراجع بعمل يودن وكيل كه بشكل الرحالواي أذ طرفيك علم أز والممكان بيش نهاد شده بود فرائت كرديد ألقائ رايس فرمودند كه اين ماده رًا نوند رُوز قبل آوردند، بين دادند و قرار ابن بودا که به کمساؤن میتکرات شرودو وَرَ مِجَانِي مُطَوِّح بِيقُودُ إِنهِ آقَاى ثَبْيْحُ الاسلام أسفهاني كه علمل المن ورفه بوداد عرض كردم

که چاپن سابقه در مجاپئ آبست و هم لايحه که در مجاس بیش لهاد می شود بایستی قبلا به کمسیون مهمکروت سرود واین برای لوایش است که کنتر از ۱۵ انفاه داشته باعد و اكر بيش از ١٠ إمضاء داشت داده مي دود یه وایس مجلس و اگر راهیس مجایی مقاضی فهد در مجلی مطرح می نما ید . ایشان منقاعد نشدند بنده بايشان عوض كردم مادم ٧٧ الظامنامه داخلي و اصل ٢٩ قالون اساسي مراجعه تموده به ببنید جنین حق برای من هست یا ایست ایشان رفتند میاجسه کاند أجند زوزى هم كذئت ديكر مهاجعه لكردالة من تصور كردم كه مامهاجمه بهمایده واصل مذكور متقاعد شده إند حالا مملوم ميشود له متناعد نشدواند که بایستی برود بهکسهون منکرات و پد بیاید در مجاس قابل بوجه شود و چوریت آن چم اخسد برای شوه آند وقت اکر تصویب هد بدون مراجع به كمييون مذكوره فور محلس ولمرح يثوق طلا اكر أقابان در اين خصوص مذاكر الهردار نصير ماياء آقاي شيخ الريمي تغلمنا كروند اخال

اسل ۲۹ - م وفت مطلب لنطرف یک از امضای عبلس خنوان شود قصا پرقتی ملرح منازره فالمعند بعصالة فيده يفر از المجاعة جاب مذا المستجد مدلد مطاب برا يحديب إبايد الدالين مودع الد حنوان كتيسايرا وجلين فقعلهمونقه رئيس مجلس حق داود كي آنلايم، وا يعوا دن الجمن اجتهل مطرح مدلة قرار يدامه كالماسيد على قاضا كردة مراو فالمامة

زان برد آتای رئیس فرمودند ، مواد نظامنامه زودات و واسق آواش دوانده اشود وونهى مرض كودم ك إكل بعنواهيد الدو المنتبا الان مسالل وامطرح كهور بايد ابن جانبديل شود بلك مدرسه خوب است در كسيونها بالجاس خصوصي مذاكره شوه مداك اكر مايل مسليد قرائت شود

الله مداوات با عليها ارجاع به كسيون مهتكرات مخالف و آقا شبخ اسداقه عتيده أدانته كه مسئله زود ار حل شوه

آقای رئیس امرمودنید که احکار من عقم و جعقمها المديق مهقرماليد كه مطابق قانون اساسى بايد بيك كمسيون ارجاع دهيمهن به كسيون مبلكرات رجوع مي كنم زيراسابقه این طور بوده است و عکن است اذکسیون مذكوره القاضا شود كهزودان بمجلس بهاوراند را آقای تدین شرح بیات و منبده دانه ند که احکار بت عماس آطبع است و خوب است خود قانون إنتيغابات سجزعدساور جلمه بشوة ا

. ما آنای رئیس فرمودند، این وا هم مرض مي گلم كه احكر رفت به كمسبون مبتحكرات و آمد، به عملس و قابل، توجه لند ديكر أمي شود أو را داخل قانوف حببی نبوده و در مرصورت امایند شکان

فرالمه در اوزان خواهد ماند بدلاوه حلات

دیکری داشت که در انکلستان طرف آمرش

ر ایرآد وائم شده ابود این تاکرافات را به

كرزن نشان الداده أودألد ولى يساو الحلاع

ا ده شده بود البجه ابن تلكراف ابن شدك

ولت أنفرة مهلت جراى مطالعه ما عده خواست

ر صورتی که میایستی انرا قبول کرده و یا

وکلی رد می زمود بیشد کاری و برا مرد

اً اره ۹

و دجه و ژارت مارن

رُوزُ گذشته از وزارت مالبه بوزارت

الملك حفوق آن وزارت غاله برداخته مي

د میں از اصوب بودجه حادره اخافهم

(ارمال بودجه)

اجارواط الم

وزارت داخله أو دجه سأل اينده خود

المسكرد ، المراجع المر

آفای ارباب عقیده داشتند که اساسهٔ ابن طرح مخالف قانون الداسي است وتسدت مهم اصل ٥ إد وم مردم حتى من دعد آفای رئیس فرمود در روزی که

طرح از کمسیون می آید این اظهاوات را there will be the same of · آنای شایخ ا ارائیش از معاون وزارت

پُسَتُ آسَتُوالَ كُرِدَاهُ بِأَ اكْثِرُبِكُ أَحْتِبَائِمِي كُدَرُّو آباهان است خرا ذر آنجا بدت خاله تاسيس الله الله عماون واظهار فاشته كه حون اداره افعله به محمره تحويل مي شود در آن للبا تاروس شده معذالك دُر آبا دان و شورد أسليمان هم در اظر كرفاه شده است المقطاله المأبس أشود المراجعة

و در این مُوقع علمه بر ای تناش تعبين و مضارن ظهر عددا نشكبل اقلی رئیس فر مو مند جون ظهر است مجاسه را ختم ميكالمة جلسة آتيه ووزشنيه وساور اوالا الابحة ووساء بقاح تلركه تالبالابحة شوراي The same of the same آقاى ارباب كمخرو تقاضا كردادلايحه والحم بخزانه داري كه ظيم و توزيم شده البارة الساور فودودو سوش اس اروميه في ما لها هد فستون أنخادثود اللي رئيس والجع ارو موني ما اظهار المودلد كه ملاقار اشكيل هيأت وزراء مشيد و راجع بلغزاله داری مم ساید از کیسیون يواجه الله الماليا المراجع المالية المراجع المراجع الماليا المراجع المالي بالمالية المرف صوم المالي بالمالية الله المالي المناع المن الفاهد هم اللهاو واشتا كالروال و حواب الواعضاء أدارات دولت و جريده اكاران حذور طلین بنده و آقای زایق در فوخوع طرح ا بوسرسالیدند سید ملغة براجع بالمتخذات خنصي تودن الت و المناه الله به الله به

ا شها آورده شد و جبي هم امضا كرده الد

و من اشكال كردم شيا اخلاقا مجبور بوديد

اشد و الله و دست والدواز كرده و وي بك د فترى كه دو

"التهاى مير ود خزى نوشت و دنترزا راست نكادداشت

عَا بِنُوانِدُ أُورًا بِهُ بِبِنْدُ ﴿ مِنْ اللَّهِ مِنْ اللَّهِ مِنْ اللَّهِ مِنْ اللَّهِ اللَّهِ اللَّهِ اللّ

الله المراقى ابن دفتر خلد عدد اوشقة شده بود . لوين -

المخوين أنرا كه عبدارت از يك فور مول الفريق بود .

日本には、10一人一人 一人 大大大学 大大大学 では、

المنافعة والمرك على مدرورات ابن اعدادرا جدين مروبه

کرار کرده و بعد یا سدای ملند گفت : سود او هفته برد

والمناه و جاي هيجكونه ترديد قيدت ، را و و المناه

الوقت دوباره شروع بنوشت كرده كاغذ عنسرى

سَمَّمَةِنَ ﴾ لَمُؤْدُه مَمَّا بِلَ خُودُ رُوى كَدَّا بِيجِهُ سَابِقُ تُهادُهُ لُو بِنَ

مداگره اخذ رای شده تصویب شد الله الله المرت الدوله در جواب حاثري زاده راجع به بودسه مدارس اظهار داشتند که بود جه حاضر است و امروز یافردایرای آقاميد يمقوب آناشا كرداد لايحه راجع به کوگرد وامك جرابر هممن از دستور خارج نشود ري منه جي ويشده وي

آقای رئیس فرمودند لابحه راجع به روشاائي فبود. است بقيه قانون العابات بعد اكر وفق باني مالد لوابع ديكن به الم الله اله آقا سُمِدُ فَاصُلُ القَاصَا كُرِدُنَّدُ وَرَخْصُوصَ حَارِفَ نُوشَالُهُ شَدَهُ حَكُهُ فَعَلَا مَطَابِقَ الوَدْحِهِ أقامحد خُمِهُ أَاجِرُ اصْفَهَا أَيْ الْرَصْ عَجَلَىٰ marin list the comment of the ، آقای رایس موکول به نشکیل هیئت مرجه هدت ورداخته خواهد شد ورات ادر داد رحل و المراهد المراد المراد

اخارشمري ا نوبه المؤده عِلْسَ شورای ملی درای فد و آب كسالت آقاى رئيسالوزواء 🛔 A STATE OF MARKET از قرار اطلامي كه شاهل المودمايد تفار بكمالتي كه آقاي وأبسي الوزراء واشتند قيل أذ ظهر روز كنشته معاونين وزارت غاله

The state of the s هَا رَا بِمِنْزِلِ احْضَارِ وَ دُسْتُورٌ لَازِمِهُ بِهِ آنَ امنهان -- اظر واین که حام مای شش ماه بك جرابه أين عوض نعي المارد آلمان المان از طرف حكومت حكم عده أمت والنزدة روز إك مرتبه آب ماي حام هارا وزير مختان بمااستورود عوض نسابعه كانوليد مهض نشود خود اطهران أز وا ردین از سه ساءت بعد فنزوان - روز ره شنهاسنیر کیرهشانی اد ظهر الا ينبج بذيرائي فدمودند أغلب از وزراه سابق و وزراه معتار فراانه وانكليس وارد در موقع ورود و خروج احترامات لازه

والعجرد - إواسطه نيودن عليق دور منازل جاوار خانه ها و مفلوك شدن مال ها بخيل اسبباب زحت ابراي مبافرين شده است این موقع سرمااغاب دستکاه مارا در بین معطل كرده وشكارت مسافرين فراهم است تواب مم أزارسيدن ستوق وال عانق نابذ س المائد

الله طرف و قا فوقه که من فر مایشات آقای این در این کل ماله دکتر میاسیو آمو جب رقیس وا ایلاغ لماید و خوب است قاوی ا دعوتی که قبلا از مشار آلبه شده بوددیروز انتخابات عم الجزء 'دستور' شود آقاى رئيس الصبح به الد! طوران رفته ادارات مركزي اهي -- تيمور نام اجبزاي ماليه عواهي قرموه الديمة از ايلكم يك بيشنهادي ارطرف الرا معاينه قبوده و وعدة دادند كه وقت مغودرا درخاله خليل خالب أأب ضرب كاوله المزديكي تمين و أماير الأسمات الزقبيل خيريه متنول ساخه است ازقرار قنرير وبر ضيفه و شریضخانه و غیره را سر کشی خواهند ه آن اشعال را به آقان اطرح دمید مقتوله حسن باشا بسر خليل خان أأبياو را المالية والماء أقلى تدين راجع بجرءد أور المالية والمالية والمالية

در حالي كه قاض بالك رهني سه اختاقالهجه الوقاف است دست داشته مامورين أاميانات مشار الليه آمل ـ سيم المكراف آمل بيار فروش را دسنگیر و در تحت اسلنما قی آورده اند للبعد تحقيقات معلوم شده الست كه اشياء

که بواسطه پاراندکی متصوح شده بودیس از نه روز ناهر و باب مخابرات مفتوح کردید. معلمین متاق ممنزل محدين غان ساطان الظامي وده رس هم از آمحصن أخارج و مشغو ل ما بق را در جای در کار امانت گذاشته صلحبه أمل كه مدت ادما در حال العطيل بوده تمام را اداره گرفته و موجود است اصاحبش اطلاع داده شده که اشاء خود بود چلد روز است که دائرشده 🧓 🕬

اطالا مادت متعور قد

در مملکت آلبانی اخیرا بك کستایخانه وموز للي برقرار شده المن الله الله الله المرحدب أخبارات الميرى كه واصل شده ه العام أحمد من المسالين المسالين المسالم قشون مخصوص بين النهرين كه اذ افراد عرب

و کر دواشوری تشکیل شده بیجهار همزار و هشتصد قو رسیده است و مخارج آن ها در سال بالغ به ششصد منار نیره است SHIP HOLD BOOK SHIP وزارت جاك الكليس خير ميدهد ك

دوازده منار و هشاسد المر از قشون انگلیس در مدر کر داد است و ا ر أولين بودخه دولت افتان نيبه شده و مطبوعات آن مملكت مدعى الد حسكه عايدات وعمارج موازنه مي ليابد أمير انفانستان أز طراله دولت عموق ادر إفت لداديه و از مابدى شخصى خود زندكى ميكلد

مجمدوع قبمت صادرات سودان براى ال ۱۹۲۱ دو مبلون و پلجاه و مفت مزار و دویست و سی ایره بوده است حالبه جهلون بنج (فراكنور) زرك حاضره بوره برده مالياتي آخذ شود عارت إز مانين هالي بزرا فلاحق المددر فاحطين المامال مبشود محسيون فيوالد عامه القورم بيش

ماحب آن موسیات که در اگر روضیت ا بجای اینکه سالیات در می شیال تعین عی خود عایدات متوسط از ۱۹۸۶ لی ۱۹۱۹ معین و بامایداتمادی قبل از بینك مقایسه شده بر آشافه مالیانی برقرار گردد ۲) شرگاء شرکت های خصوصی و مدیر آن شركت هاى مفامق كا در مدت جلك أمان سلاح در آمده اند در صورتیکه بموسیادی أنها در مدت جاك مالياتي تماق نميكرفته كا-بين اين بولى - كامنها مونى -حدن قانون التخابات قرائت بس ال مخلصر الله قد چند زوز قبل مهدى نام در بزار | هم او را بقال رسالده فعلا در حكومت | آلفرر،

أبصرا - بوزنات - آنفوره بين ادله _ فرايه _ آانوره بین قارض ب ارضروم سے آروامجان۔

بين اد_الها _ بور دور _ فواهه _

شماره ۹

» در اوایل سال ۱۹۲۱ درلت آنفرزه مصمم شد که راه آهنی بین صامصونواننوره المايد وابز قرار كذارد كه سرمايه لازمه را برای این کار از داخله مملڪت ل تهبه

مکند . در بهار سال ۱۹۲۱ یک راه آهن دكاويل أبن طرايزون وكوموشان شروع كرده وبه اتمام وماليدلد بن المناه ما المام واه آمن بين آنةوره و سبواس قريب

الوازم ابن خط در آلمان تخريده شده راه روسیه به علمالی حمل شد 🎉 I state with the same

مالیات برمنافع جنك در فرانسه مسأله بفرنج مااوات برمناهم جلك كه د ما منتكرات المد طوامد شدو در دَّتُ الدَّم أُود أَكُونَ دُرُ عُرِفَ حَلُ وَ نبوبه الت طريرح قانوال ابن وسقه حبيه ازطرف مسبو لو مير نهاينده لوز يا موافقت العصاديه مجاروسلماكران ببغنماد شده وموضوع فنسير عاده ١٣ ، قانون ٢٥٠ . زون ١٩٧٠

بود امروز از طرف پیشهاد کننده معیار البه در ك.مبوق مالبه على مداة، شد امول اساسی ابن طرح گالونی بغزار منال العام المالية () بعاى الحد مالوات أز اموسات الملي

نهادی ارای ساختن خط آهن های حدید در آسیسای سفیر بطریق د یل نمیسه شوده was a state of the same of the same of the

لُون كه أَزْ غَنْبُ أَزْدِيكُ بُود خُودرا بروعي

و دوابرك الداخته اورا ساكتكسند كفت: خوب، متصود

جیست داد: هیچ چه مابخواهید باشد ا کمدی تهام

مَنْ فَقَطَ ازْ شَهَا خُواهِش مَيكُمْم كُهُ أَيْنَ مُكَسَرُوبُورًا

اقای و پراسویل ، ارباب مخترم خودان برسسالید

كلمانس أم آقارا واحتمائي كن و همر وقت جم اينجا ,

ا اوین قدری آامل کسرده اکر رفتن قردید انمونی

آمدند در را برویثان بکته ایشجا حسانه خود آقا است

الده عم خدملك دار ايشان هستم . . . :

طروتسي تصديم كره است كه دعوت آن ها ﴿ خواهد كره عاملني منسه من شود كه از ﴿ وَ اللَّهُ مِنْ اللَّهُ مِنْ اللَّهِ مِنْ اللَّهِ مِنْ اللَّهِ مِنْ اللَّهِ مِنْ اللَّهِ عَلَيْهِ مِنْ اللَّهُ عَلَيْهِ مِنْ اللَّهِ عَلَيْهِ مِنْ اللَّهُ عَلَيْهِ عَلَيْهِ مِنْ اللَّهُ عَلَيْهِ عَلَيْهِ عَلَيْهِ مِنْ اللَّهُ عَلَيْهِ ع

را اطابت امود و بدون ابن که هیجکونه کلیه سکنه مملک حابت نماید انباع متمالی امطائي أسبت بايشان بشود آنيان را اجازه عودت بروسيو بدهد (آراوول)

كافرانس خام صلاح

in the property of the state of

احارماره

كنقراكس لوذان بيه تدريس بالمالية

Marie & Marie Police

المقيه مو ادطرح معاهده باعثماني

ً ﴿ وَاتَ عَمْمَانِي وَسَايِرٌ ۗ وَوَلَ

ساحلي بعر أسود بالضمام روسيه ميثواند

سواحل دارداال نا ، اكبلومتر داخل

عده سفاین یاطهاروت هردولتی راکه مهخواهد

علا و جزایر بدرمهم، و همچین جزایر

سامو اله و لنموس وابروس) و (تعنوس)

واستى خلع ملاح شواد عاما نبى عتى دارد

ع) در موسدات جدیده و موسانی كه العطيل يودة و مجددا شروع إكار شده شركاه عمل درصورتي كه تممت سلاح در آمده فإشند ال ماليات منافع سنوات ١٩١٩ و١٩٢٠ مماق خواهله بود . اواين حلسه غومي انفرانس خام سلاح ٥) نجار و ماهنگرانی که لحث سلاح در مسکو المقاد یافت و زوز قبل هم رؤسای

هیدت های امزامی در ای تعیین خط مشی مشترکی الله در سورای همه در مدت حدث مالیات حاسه لحصوصي دائنه آقد بد. يوده الد اكر منافع آلها از سيمنار

Y drains

مدف أز ماليات خواماد بود "

فرانك كمتر است ال ماليات معاف مي إشتد ۹) موسیاتی که در مدت کمتر از یکال قبل از جنك از طرف تجار و منتكر ان محت سلاح آمده ابجاد تدهما فع مؤسين وَلَدُرُ خُوْلُ وَ مَا فَعَيْ خُواهِدَ شَدَ حَكَهُ ازْ فوسمات سابقه خود مبعرده الد

ون ۷ مد انل منافع عادی کارت دکانی ک دفاتر محاسباتی شان بر اثر عمایات نظامی معدوم شده است بجاي بلجهز اردالك إيست مناو فرالك مظور خواهد شد يه ينادر آلدول بيابند محدود سازاد و او لوول ه

نگر، جاج جاد مروز عدر ماهت ۲۳ مبلق مرکب از جهل حنو از نهابلدگان اقصادیه علوسندیکا های کادگران در نحت مدایت میو ژوهومشی ا بعاد ما در بوسله طیارات در زحت نظارت آنها وبه فل الركوان بقصد حضور دركنكره ملج الحوم دانته باشد و قواى أن دولت مد جهان که از دهد الا یاز دهد دسامع دو ا می تواند از ماطق خلع سلاح شده عبود لامو المناد مياد از يارين منهت نعوداد انهابد . هد این کیره آگان لئرد یلوم و فرهااد ای اونان حق مارد الا وسط آب های پوئیسون میدوان اسلمیه رسن این حضور ا جزار علم سلاح شد. کنی های مود،

روانه دارد ترك ما مي توانند يك ساخاد کسپونی مرکب از نما بندکان دول مظمه و قبول سر کرد کان نشون و رانکل در اعتمانی و بانار و یولان وروما می ویوکوسلاوی ال قاستر اطلاع اله مبدعند علم ٢٥ | برائ رعابت اجراى قوا بن عبور مقابن عرض كردكان و ساعبنسيان روس كه ا و غير، تشكيل عواهد شد و ابن كمسيون ور قتون ورائكل بوده و اكنون در بلنارسلان مماج أوامل جمع انفاقي أمال خوامد بود و مبیاشد از دوات ساوت استمای عضو آموده ا در صورتی که قرار داد نفض آخود دول

و خواهش کردهٔ آند که آنان را کمر قشون میافد فرار هاه ودر مورت لزوم فرانسه مرع پیدیترند شورای عالی دفاع بر حسب بیشهاد وسابلی که شورای مجمع قبیین کند مداخله

و مودان مادله هوا مند شدیاستشدی ه ۲۰۰ مرار نفر يولا لي كه در اسلاماول اقامت د اردد عاماني م بستى ٩ مايون ليره طلاى عندا نى بعاوان عشارات جنى به مقدين بير دارد و ابن مولخ السي

در عرض ۲۷ سال یا فرع صدی پنج ۱-۹ الساط سالياله در هم سالي لهملد هزار ايره وأياني داده شود و أولين پرداخت در اول ا أو مقام مغلافت عثماني از أوسل الكليه عمایات سیاسی و قانونی و اداری در باره انباع مربك از انواع متبم اراضي كه در حت تعايت يا حكومت شاير دول امضا كنلده قرارداد حاض ميباشاد خود داري عواهد المؤد عنهالي ملعهد مي دود كه جان و مال و آزادی کابه سکنه مملک خود را حفاظت الماود و رمایت آساوی کامل بین مسامین وغیر

مسلمبن إنماله المعدات و تَقْبَلَاتُ بِينَ اللَّهِي عَنْمَا مَنْ وَا تحت ضافت ايران داوري بين المللي عجم أتفاق مال خراهد بود الله الله قروض که منالی در ۱۹۱۶ داشت ن آن دوات و سایر اراشی که از عثمالی عِزى شده الله المنابذ المواهد شد و إمثمالي عناول برداعت سهم عود فيباعلد د (0)

الملامبول ورغبن ابن كه الكلبس ما كاملا موظب اجراى فرارداد مقابله بوداد كمالبون قواني براي موقع المتطاع مداكرات المبدكاري الد و صور ميروة مقادير كليري البواديراك مر المراسد تلكرافات يوالكاره به منهات در الاراف مواحل معراض أمن المن العنوان حكومت القرد موجود بود مكفوف فالمرمنده المائد تمركز قواى كالبول بيشتر ماخله و چنن مينويده كه بواكاره وو فقره رَرُ جُنَاقَ وْ [أَلِدُمُهِد] ميلند و بنا براين | الكراف بهنوان أنفره لرسال دادته ودراولى ور صورتی که ترك بها طما ور "شوند" تكابف الحاطر الهان الموده بود كاهرجه زود رمهاعده وَتَرَالُ [هارينكةبن] عده مخلصر و احامال صلحرا أسويب المالدويرا ورويب المامات دوات جلك در جهار الجبه در آن واحد جندان منان البراماهدة بذكل مادرور أعده استولى آسان تعنواهد بود والى كليه جهازات مديسرانه در جواب حكومت آنفره در نهايت فطات

کشنیمای جنی انگایدی (رویال دوران) وار زولو-بون ديروز از جبل الطارق به سمت مالت خرکت کرداند و مرجه زواد از بطهرف دار دالمل خواهد رفت أاملحق بجهازات (ا يَمِرَال يَمِرُكُ ﴾ شوالد أبدياطريق عده كشي ماى خالكي بزرك بهيت تقدد بالغ نئي شود ف حنان حد وضيات مستلام بأعد سابر سفاين غيهازات اقيانوس اطاس كهماليه درجيل العاارق هدنند بطرف دارداللخواهد رفت 🌣 🖰

(3) heart 1 (1) عصمت باشاباد داشتى قديد شابندكان متفنين عديت بايثا مقررات موضوعه راجع به ثموره ودر مي فقره مواد لا معهماهده صاح ية زها را با باره شرايط و قبود مخصوصا باقبيد اعتراض أدوده أود أمايلده كان حاض شدم إند مِنای ساخلوی قسرك در كالی اولی قبول اره تغیرات ما مده را قبول آمایلد ازجوله بمود و منا جاین اظهار داشت که درات الرك أذاخاي محدود ساحتن قواي عثماني دن عنمانى برسيله نبول آزادى بفاؤها امتباز طراس غرقي و أقابل عسارات جلي أذ ١٥ مِزْرِي بِدَافَائِن داده است و بدينا بق وسايل مابون به ۱۲ مابورایره والغای کامیدو لاسیون دفاع اسلامبول را ضمیف کرده است قضائی و غیره می باشد ولی تفاضا نموده . کرزن در جواب نظریه متفقین راراجع لد که مستشاوان قضائمی اروپائمی برای تشکیلات باقامت ساخلو ترك دركالي بولي ببان أموده تغاثى تبرك استخدام لشوند راجع بدوصل منفقين

م حنبن گنت کامتنقین این قرار داد وابروسیه در مقيده خود أشيزي نداده أند (.) جُرِينِ اظهار دائت كه أين نقته رو-يهو A Line of the Land of the كرجيال والوكراني را تهديد مينهايد و م لوزان - تركها طنس عين الهيمامد وا کونه آزادی حملیات خودرا حقوظ دیداره مضا نمایند مشروط اینکه در باره مواد حق كرزن در خانه اظهار داشت أميدوارم الل آنان باق باشد بدر عموس موسل مه ا روسيه مرفرار دادراامضا لهايد

مي ابسق إنهاد عن إلكاستان داخل وذاكر إن (3) The same of th فوند • المن المناه المناه المناه المناه المناه المناه المناه المناه The same of the same of the same of الله ١- امروز أجريد منجستر كاردين ورجب آخرین الکرافت واسط الورسل مواي الكليس مقيم إلجا سالم أو فوي دل مبائد خالمت امالى واطاعت ازار سيكهاروز بروز كيب عدي مي نمايد ايد زيد برايد امير فيسل دلطان عراقه بموسل وفته وتبليعاتها رعابه تبرکا وشاید در جوزی کر مسکها هم تلبنات شدیدی در مهابل می کند د اكثر بلشويك همعلد أومبخواهند علكت واقربن و قسمت کنیری از جهازات اقبانوس اطاس اشمهار داشته وه کفرانسه بالگاسان همدست

ابن فدون ازخود ابراز همت وفيرت خوامد عون افر لمن الكراف جوايه ملقت شده بود جمود ولي نوايدق مانظر شامكار و منجزه آن | كه هنماني بماهده وا رد خواهد كرد ابن | اللهن ٤ ـ هير رويتر أنّ لوزان خين

> جا بیرون بیائید مجان عمکن است منهم از راه تفریح ، سر ننائ بلور خوالد: (أسبو * أراسوبل ، منتف ادار ، بلبش) ﴿ عَدْ. أَلَدْ ، وَلَى مَنْ دَرَمُونَعُ وَرُودُ آلَهِا رَا ازْ دُورُ دَيِدُمُ الن يرده را بضرب كاردى حاك داده باعث زجت شها الله مورك و مجدد زنك زد و جون خادمه وأر ا مَدْتُ عَن أَ بِيشِرَ أَبُودُندُ ، أَهُ فَنَمِأَى مَدْتُ عَمْكُ مِيارِي ا از عملیات آ رسن لوین) م بشرم و و لابدحكابت و عاملت ، ومرك و پولونبوس، برسید: کلیانی ، آو در کوچکی مدرسه هم رفقه ؟ أَنْ أَبَالُكُ وَ مِنَا بِرَائِنَ حَمَا يُكُمُ ازْ أَنْهَا دَرَ أَيْنَ إِلَيْ الجواب داد: البنه ألما المن المناسخ ا مانده است وآنهد آقای حاضر مبیاشد ، كت : غوب المدن , أرو الله

ُ كَمْتَ عَبِلَى , آيَّا . . . کفت : از اینقرار در تفریق چندان ماهر نیدی .

ورسید : خطور مکل ه حواب داد: جواکه نمیدانی نه ملهای هشت یك مبعود و المراجعة المر

آنوقت ازجا برخواسه در آطاق شروع بقدم زدن الموده و پس از لحظه ازدیك درب اطاق انهار خوری گه وین در آنجا پشت پرده مخنی بود آمده آلرا باز کرد وَكُفَتْ : مُسْلُهُ الْكِنَاوِعُ دَيْكُمْ هُمْ مُمِشُودُ لِيَانَ كُمُودُ رَكُهُ لَهُ منوای هشت مساوی است بایك و آن یکی هم آنست . الساعه اورا خواهی دید.

﴿ آنونت آهــنه هــت به يرد. زد. گفت: ﴿ أَقَا ، وأَمَّا بِالِدِ خَبِلِي كُرِهُ أَنَّانَ شَدِهُ بِاشْدِ وَ أَزِّ أَيْنَ

پرسید : ازحساب هم سرزشته داری ؟ ﴿ ﴿ ﴿ حُواهِ مَنْ مَبِكُنَمُ بَيْرُونَ بِبَائْدٍ وَ زَبَادَهُ بِرَابِن مَثَلَ مُوشَ دُر موراخ له نهائيد ٠٠٠ أ الوين از أين أوغ سحبتهاى مسخره آميز متنفربود و اورا قاب شنیدن آذرا نداشت . ولی چه میتوانست کرد؟ آلا جرقت حرف زدن دانت ؟ و دو برك و هما يك لوين از يشت برده بيرن آمد أَزْرِا مَمَانَهُ لَحْنَ أَمْسِخُرُ آمِيزَ كُفَتْ: مَسْبُو ﴿ يُولُونِيُوْمِنَ ۗ ۗ

تخبراً ونك بزيده .. ا عب هان آرایی است که از جند روز پیش در أين أزديكي كتبك مبكند ٠٠٠ مسيو • يولوليوس ، شما مم بابس همانيد؟ . . أسوف باشيد أبدا خيال سوئى أولى عاقبت مجاورا خادمه دربان را بدروى كرده خارج شد در بارمشها ندارم ٠٠٠ کایانس ، حالا دیدی که حساب

ا و حون بگرچه رسید رو به پلجره اطاق و کیل مجلس أَذَ قرارى كه أوحساب ميكردى نه نفر واياجا وارد ﴿ وَهُ أَى قَحُواهِمَ دَامْتَ مُنْ مُ قَمَمُ مَيْحُورِم كه همين رؤزها *

مساخر أثرا فلاني المداد الم مر لوین کف براب آورده و مان قدر که در دل به قدرت و اوستادی حریف بعنقاد داشت ، غضبالد بود واتما هد خواسردی ذاتی د موبرك ، دلی اعتنائی او در وارسی در ملزل خود وکمانی او در مقابل وشمن قدرت و توانائی و دفاوت أووا ثابت كردهومدال من و که از همایات و اجرای ناهه که در دست دارد مهلمتن است . حرف

الما در خدوس أينكم نفشه عمامات و خبالات او حست ، لوين اطلاعي نداشت ، بإجاره، بين دودسته توانا أفتاده أز نقشه و وضات آلها هم أن أطلاع أود و زيراً ایدا کاف نمیکرد که اینهده زدو خورد ها برای یك سر تلك بور إند ا

ازیات حیز فقط خوشحال بود که د دوبرگ ، او روا الشاطاء ويه صوت واسم اصليش بي تبرده و عمدالت عِلْبِسْنُ دَانْسَةُ وَ إِذَ ايْمَابِتَ الْمَيْدُوارُ بُودَ كَا مُبْتُوالْدُ عَفْيَالُهُ حمایات خود را العجام دهد و المحال الم

آلوقت بدون ألدكي ترديد .

داد. بود کشوده این سطور را بخواند: ... (ا

لوين پيش خود كنت ؛ و شابد آين بد جسرراست م كويد و واقعا آلجه را كه (پراسويل) ميمنواسته است بمراقب دیده و اثناخته است . ولی در مر حال بید دانست که برای چه (دوبرای) را این قسم تعقیب مَن كَنْنُدُ فِابِدُ ابْنِ مُعْمَا رَا كَنْفُ قُمُودٌ ﴿)

المناهر الن برد: مستقي المستور المناهد المناهد المناهد

و پراسویل ، عز پزم آلیه عنبش میکشی نردبك درهم حال أويسيار كنوم ميباش كويل بمتر از أو كون ا برای خورد کردن من قیافته آند ! خدا تکهدار دهرا سويل ع اما ملتفت باش كه اكر بدست من بيافق جان

الطلاماني كه لوين واجعبه [دوبرك] بدست آورد

[اللكبيس دوارك] دو سال است كه وكيل ايالات مع بايد كرد وقت هم ميكذرد ا [بوش دورن] ودر مجلس هم جزء دسته مستقل م

آو تطل به بول ملكه كه در این واد مترف می كلد -بسیار محکد است و هبیج کراه ایرادی از آن نمی توان دست تو بود • جندین دفعه هماورا ارداشه و تشاخته ۱۰ گرفت •

واللها فساعدت طواعد لمود و قطما شده و بي طبه عنماني كاركره است بوانكاره

ابدا ترونی آدارد ، منهدا خانه بررکی در اراس رَ دُو خَانَهُ بِبَلاقِي ، بِكِي دُر ، أَنْكُن ، و بِكِي در و بِين دارد در قيار زياد ميازد ، اما كي نميداند اين إولها . از كمجا است . در مقامات دولق نفوذ أو أز سايرين إمراقب بیشتر است وهی چه بخواهد باو میدهند در صور ایک ایدا باوزراء مماشرت تمهكند وابدا دوسق وارتبا طيهم اامهاكز

و الله الله خوالمدن راپورت فوق در دل گفت: ا ا این باد داشت تجارتی است او من را بورتی از عملیات عرمانه و دوبرك ، لازم دارم و تأينوانم بميل خوداورا أورب كروه و مامين باشم كه دجار اشكالات الحواهم شد

يى از خانه مأى لوين كه بيشتر در ألجا اقامت

سر باکی را که د دورك ، ابرای و پراخوال نابه او ایند. افکار خومی آن او منفر است ولی وضیت انتخاب ا داشت ، ازدیك و طاق اصرت ، ودر، حوالی کوج، و شانو بريان ، بوده حسابكان اطراف أبن خانه اورا ينام ميشل ومون ، میشاخند . لوین در این خانه نوگری داشت که و آدیل به نامیده میشد واز محادم باوقای اوبود و همدسقان لو پن موظف بو دند که کایه را پورتمای خودر آیه A Tail . Mak . Mak . Mak . لوين جون بخاله وارد شد و آشيل عيه أوخيرداد

مع و مرج سازندی

كه يكانوزن كاركري ازبكالحات بل منظر اواست لوين از شليدن اين خبر بي أمرايت معجب شدكفت ا حطور منتظر من است ، تابحال هبچكن در اين خاله بديدار من تيامده أست ١ ابن كاركر جوان است بايد ا حواب داد آمیداند ا کنت : جماور نمیدانی ?

خُواب داد: یك بارجه ای روی سرانداخته است كه شمنوان سورت اورا ديد ا پرسید: اوجه کسی را میخواست ملاقات کند ؛ حواب داد : مسبو د میشل بومون ، را میخواست

الم اقشه و آمال روسها سبت ، المراب المسال

ایرانی ها می حکویند معاده ۱۹۰۷

و مناطق نفوذی که ، ظالمانه برم آن مملکت

قائداني تحميل إكرين اندرج بايد مما أهو

و اطل شود

مَدِّ عِنْ إِنَّ مَاهِدِهِ مَلْفُورِ أَيْرَانُ رَأَ بِشَكُلُ دُو

مُستَعَدِّره بِدِنْهَا رِمْعُرِفِي كُرِدُ أَنِيْ دُرُ سُنْهِ ١٩١١

خيدارت را پجائي رساندند كه دولت ايران

يدون أجازه فول روس و الكايس جرأت

استخدام هديج مسلخهم خارجي را قداشت

المران أباده المران أباده

شد و بروزن آن و پیوسته افزوده کردید

تا اینکه در سه ۱۹۱۳ کنترل ماایه در

ایران استقرار یافت و استقلال والخدلی و

خارجي آن هم الا فامله رخت إر إست ا

احتما ماسم ويل مرست ايران امروق تنس

کایم سماعدات مدره که بنزور س ایزه ظلم

و فهار منحد شدة بالضهام المتبازات و ساين

الزاماني كه رجيرا بر مايت ايران تعميل عدي

جدا خو آیدار و در تشبید مناسیات ودادیه

معرود نكار أوطها لباتي مو خالمه

جالات خود اعتراف مي سيكند كه يس ان

شكست رونان إعتماني مايل است مناسيات

وودرا المروسة وطع أمو دور با معمل في

دول مسلمه ارول قرار داد عالى به يندد

ال يوسيل الين حسن ماسيات يا لا إقل بي

طر في معنين ووات أنقدو ده مونق به

املاحات ادامي و حل معدلات سياسي

1. 1. 1 south 1 14 23, 27;

ا الله المال ا

الله المامية ترجه على إنا - و حالم ا

, was the collect who

عالمة معاوم من دود الحكومت

القورة الجدا در أضدد توسمه اسول أسلام بر

آمد و یک کسیونی از علم برای این کار

اللخاب الموقَّه است . و هر ضمن يك شوراي

على هم إمراك تجديد عار در مسائل حاوق

ا مِ اسلا دُيل اشكيل دادواست (١٠) إماييق

السلاما إ ترقبات امروزه (٢) توسعه اسول

املام بارعايدًا حتياجاتُ حاضره (٣) اشاعد

فلاوی که در آلیده بر حسب ایشنهاد این

شورای عالی بوده وباید مطابقت با اصول عقاید

جيرار شعبه طلم تسنن ألمايد . • المهذا ويدر با

اتابج خوبي إراى عالم اسلام داشته باشد و

أكر أنيه أميقوان متراتع بودكه اثرات أنمائهي .

به المواتي توداكه اسالبول را فلح كردهو .

اروما وا تحدود أبساخت ولي باعث اتحاد علك

الملامي خواهد بود ا

الم المدام به ابن أم ميج نوع حله براي

عالك غير الملامي نخواهد بود و اكبر اين

شورای مالی موفق به آجرای فقرات اول و

دويم بشود باعث رواط بهترى بن مالك الملامي

و غير اسلام خواهد ود ، ولي ابن نكته

را باید ذکر کرد که نمین این عدالیزیزارای

أجراى أبن لقشه رمحتمل أست ك

السنة بي أ أموره واسلام الها الب

از هبچکونه بدل مساهی درین قدارند

ldes

من الامتاسفانه مواسطه شرق سفحامتنودين

وسَيْدَن اخْدَار بِهِسْهِم الريش عاطلاهات واحته

المِنَاحَيَّةُ (رو هرا) تو اخبار فيروش (٧٠ورنيه)

بيسيمً باريس سدر اين شهارد منتفئ لمداله

والماني ويعد ما علاماني ويده من شود كاير ألى

مُّا ال مدَّاحُلاتُ وَرَثُنَ هَادَّرُ الْمُورَ أَنْمُ الْمُسْلِمُ

مُلْدُ وَ حِلْيُ الْمَجْدِلِ اللهِ الْمُنْ الْمُنْعُلِلْمُ لِلْمُنْ الْمُنْعُلِلْمُ لِلْمُنْ الْمُنْعِ

روز المامة ليمس مقيم ريكا طبر مي دمد كه

منامیات مین دوات سویت و آیران مطع شده

آست و أذ قرار معلوم مسيوشومب تسكي نهاينده

روسیه در طهران از دوات ایران تقاضای

اخراج بلهاءده از اشخاصي كه نسبت به وويم

جاهره ووسيه خصومت داشته اعد فأوده فو

و جون الموات البران ال المال الله ابن تعادا

خود دارى أمودة المت مسيو يتوميانكان

اولسائ أدوات او رنجشي بيدا أموده الد

دولت ايراناز رد اين تقاسل مقصودش ايراز

- عناریت کانل دار ملک طود اود است

و ما آن وا كاملا المعديل المؤدد و تقدير

مَى أَيَالِيد و المسكرية بعار مي أيد الأايران

ول الن مسله عمان النورع داده و الكانكالي

المساية فوي خود را ود كرف أست وعامد

الرائ أوخاري دائه بقد ما معديم كالمندان

أَهُمْ فَيْ الْمَارِدُ ﴿ زُورًا ﴿ بِرَاقُ مِلْكُونَ إِلَّا مُطُوبُ

لسنت که در اهم چه موهی روا ما عود ازا

ויידקוני זש עוביין ביוניי שיייי א

ابرات ودولت موبت المرات

الملقاع ورزيدند آزأس ماواس هداين خبروا الزء باربين آبهد مي كند و مي مسكويد ليون عَمْرُكُوا مُعَامِدُهُ وَأَنَا اتَّفَعَا يَذَكُرُوْلُهُ مَدَّاحِكُواتَ كانر المن الوزان المتناوع كرديد والمال المال المال (,) a war had a long with the المنا وجون عمدمت إيدا خادر الدد كسهولات الله أمليَّازَاكُي فَرُ أَبَابِ ﴿ كَابِي ﴿ تُولَّاسِبُونَ ﴿ يُذْهِدُ كرزن وْسَايِمُ نَمَايِلِهِ كَانَ إِنْكُلُسُلَّا نَ أَيْسُ ازْ تبع ساعت درنك بافعال سريم النتير "(شرق) حرکت ^۱کردند ***

The substitute of the standing of وي و المعالم الم الم الم الماسيت المبر هم خورون مُسْتَقَدُهُ وَالْنُ وَوْزُانَ وَوْزُا الْمَهُ ﴿ الْمِدُوسَقِهَا اللَّهُ فلطينة شكوا ثنى لوبسد أثرا اكرا اختلال كَنفراقْلُقُ * لُوزَانُ الْتُقْدُونَ * تَجْذِكُ النَّجْدَيْدِي الْرَأَ توديد عن كلد أسعنها بي على داند جيهووري سوسا ليسق ساوتي وولي كه مامل أُواناي شَبارت إِيْنَ اللَّهِي اسْتُ ﴿ يَكُمَّا لَهُ ۚ دَوَسُتُ ۖ of this in I was new former the minute of the white distribution

الأزان - نها يندكان عنهاني فعلما تفاضای اتمام حمجت مثلتین را راجع بامضای قرار فرود سائع رو الدود، و بشي الما دات مالايه اعزد را تقديد ؟ عفرانس سودند در عالهن الوديك به السكتة والس ال ورشاستاني كامل كالمرائش أوران فرية الله عوم -در بین نیابندگان متنفین و حدت تفار و وجود تدارد کے بسی از نیابد کان شروع به قرك كنفرالس توديد ٠

[2 m] The state of the same leaguests while the second of the second المكليد الربال وافته والنافا تبوده المت كا الدر الماؤارت اعدام الموافعيات الكافر الحر اوران كُرْ عَرْق درميك له درات الله ادادي مليات داده دولاه الدايد المراجع المناسبة المراجع المرا

سوبس - تَنْظُيلُ حَكَامُراْسَ لُوزَانُ وَأَنْ حَمُّ أَنْ عَالِمِ أَنُّ مُو لَمَهُ مُمُولُوهُ مَعْمُولُوهُ مَعْمُولُوهُ أَنَّا اسلاماول في سعيرت وا بهات الحكمة فرما السي دُو الدن عد قديه مدكورة البريشاد الحيال المستراهم كرون المت سيب مسلما المستودة المناه المستعددة المراجع والت فرالمه أيه اسفير، كاير الطود وال انكلسقان بدستور ودادم است الراجنتهم أبه كنفرانس لوزائه بوذارت خارجه انكلبش اطلاع دهد که دولت فرانسه، ان را فنطع بحالت تعليل من دافد ﴿ بموجين أخياري " كه در جرايد اناشار يأفته هممت يا شا نير يا

الماريه مذكوره موافقت دارد و المارية

والمطوعات فارضا durable : War the locally is از مطبوعات آتا زوای

سويت زوسيه وعالم اسلام و بل بها و ساقدرم و یای تخت ایطالیا -- اخبرا موضوع الْهِلْهُ اللَّهُ أَوُّواهُمْ زَأَ الْمُطَرَّحُ الْمُؤْدَةُ الْجِنْينِ الْمِي and a light of the same of the first of the same

و دوان روسیه از تصیات ملی و مذهبي مسلها نان أسته ده أموده - بدين وسیله برای خود خربه نی قوی تهیه کرد. است . م معرضه المراد ال قر مشرق حاكمز مغافرات سياسي است وري

روسها تنزاري لفود خود را با سر البزم قامرا له قشون اسلاو بر مال مشرق ﴿ وَوَسِّهِ السَّوْلِلَّهُ عَانَ لَمُودُ وَا أَمْرُورُ إوسبله المقسلا بات أيرو لذد أجتمامي بدست آورده الت الم المالية على المهده

والمرا المراجة المقبدا دي . قول؛ هم جوار وا عَالِقَ إِرَّاقُ حَشَّوُل مُطَالِمُ استمهار الْجُونِالهُ خُونَةُ ت دالت و برای رفع این عوایق الما به خُونَ رِيزِي و قتل و خارت ممتقد يوده بلشو التدغيراي ورسيدن ابهنان فلماصؤ دعني م كند افكار وا مسخر و منالب أمايد ليلك وَ الْرُوسِيَّةِ خُوالْ بِهِيجٍ عَوْانَ عَالَةَ الْعَارِي بة أأسخير الملاميول للدارد الله المستحد كشمكش ماى شديدى كم ما بين وسية و انگاستان در باطن حریان دارد موقفت أَ مَا حَدَى لَمُنِبِ الكَلِّمَانِ كُرُدُهُ عِازَ بُوْسَمُونِ در قممت نفود انگلیس است و مید واری دوسیه بسواحل د جله رود کائل میباشع و انداز بران و اناطولی در درسیه می خواهد ایران و اناطولی

ا مرکز نبیخت قرار بداده مسلمانان وا بر مليه مهموري يشوراند ع من آسیای محنت دیده بهد مر دار ماریت آنيه كردد ، عظمت دوله بابره ابد درهم خود خود المرابع المساورة الما الما وله الم أسبل معبوف المعساد البيان اوويالي است. - ، ي در در در در در در تا المتمهار شيااي حسته فر حلتوم وال ضِيفٍه منجه الكنده لد يربي ، أشاميدن اخون ضغط هو لكوله تشيئات مي كنند ألم بيايد اله يتسب روعه الفلابي موظف است آسيا وا لكان الممد أما فكافئ شهيد أو خواين الا ي و الواعو يسم از أيشرة الشراماية ادارى خشمكين است م از اثر كردن تيليخ اراسول طود در اروای سر مایه داو روسیه بکلی

لوميد شد مامل المعام من المعالم سيسسم ملل معمدته ادويا از قبول اسول والثويزم أو عواقب خانها ن سور أن هواس مارلد وزير بار آن اخوامند رفت مي اي ارشاع فلاكت بار روسية براى منب درس مبرئی ارد ا

ا بنا بر این روسیه با آغوش باز کرد.و ا کال می صبری التظاو دارد او شته لیجانش از آسیا هر واز کنند ... ایک از ادبای روش میکوید :

• آسای و حشی را بایدیه کمک اروبای مندن طليد المحرا المجادة المعادة والمحادة أبزغم إسايرا لويستدكان قلاع احقبتي

الفلاب دراً ملدوستان واقع است . الرأى فتح اين قلاع بايهق اذ إيران و مصر عبور کرد . شاید بمضی تصور أیمازند که مُرکمز سیاسی جایش اسلامیت در شرق أزديك إست وليما من كوأيد كاكالون لحُقابق آن عندوسًا لَ و آنجا است حکه

خواهد امود ما دوس دار ما والمراف الخام أذ الحلافات أمسل سلسله پولادین دیات بقسمی این شمت و دو ملبون مسایما اان خبور ملد را روم ببوسته است که آنقوره و كابل مبيح قوة امي قواند ان را بكسلاند مرامنامه أجتماعيون ايران كالملاموافق

افناؤءَأَانَ أَرْ جِادَى قُيل احساسات أُوقَ الْعَادَهُ مَنْمَا بِلَيْ لَسَمِّتُ إِنَّ ٱلْقُورَةُ الْبِرَازُ كُرِدُهُ ولى أين نكله تمجب آور است كهاين مايلات بالدازة رياد بوده شكه أن دولت را رشيا به آقائي افغانستان شُمَاحُنَّهُ آسَتُ مُ أَبِرُ حُسْبُ والتورثي كأ فالأمس هندوستان ميدهد مماهدة دفاعیه بین این دو دولت برقرار شد،وعثمالی

البنه واضع استكه أفغائبها ابن اصلاح وا ققط إز نقطه نشار الافت استعمال المودعا الد ولى إين حال خود ابن بك مسلمه فوق العاده است زيرا كه واضع أي دار دول إملام أَا حِدَاندَارُهُ دَرُهُمُلِياتٌ عَلَيْهَانيُ عَلاَقَدَمُهُ أَوْدُهُ وُ آنُ رَا "مُدافعُ أسلام مَنَي بِلدَارِند اللهُ اللهُ مَنْ اللهُ اللهُ اللهُ اللهُ اللهُ اللهُ الله ابن معامله "جندان احمق الدارد زيراً كه قسمت أعظ من شرح روابط و ماد آمينز فو دولت مذكوروا بينان مي الماند ولي دو ضمن المقلال دول عيوه و إمعارا را هم مُن لَوْ السَّدِيقُ مُنْتِمَا إِنْدُ طَرْفَانُ مَمَّهُ الْمُنْطُونُدُ كُ إِ دُولَتَ إِلَالَىٰ كَا قَالِ لَلْمُمَالَةُ لَا يَتَ اللَّهُ أَيْنَ لَاوَ "دُولُك " دَارُدُداخل المدا صحرة علام و اكر يك دولت خار عي مد به عمر يك او طرفين عَهُ " نَهَامِدُ لَمُعِكِّرِي إِلَيْ قَرْ دَفَاعٍ فَر كُكُ الوضاع بجرافياتي بعثر بي أبدكه و

رُأِسَتُ كُمبونُ علياءً ما را أميد وأرَّ إلله أقدامات ترقى إطواها أه زيادي امرسكاد ربرا شخصيت شيخ من بور بشترشية به ك شعاش حِنْكُ خُولَى الْمُنتِ ﴿

را به این مقام رسما شناختهالد .

الم مم جه سور الى الماعدت الى الوارق را قدري

مفعل نهاد مسلم من المسلم من المسلم من المسلم الوعد ، فارجه های اور بشمی اعلا از هم قبیل و اجتسویدا ، جادری های بهبوار مرافود یه اذ ويرقين اقسام حادري هائي است كه تا ڪنون بيليمان نيامده است جديدا وارد ۾ بايناسي تهرين تورث بفروش مي وسد بطالين قا تهام نفده است ومفاذه برادران كري في البين تواني لاله زار دجوع فبرمایند که بیرای کردش عید آراین حادد، مارایحدوم نیما نند روه استایس e when he has a live of 12 - what " we let wie est with the

الله المرابعة المراب

	to the same	2 pi			برای ایران ت جورب	ر متمارقی کیالی آن متمارقی جدید متمارقی جدید
V8		ing beg 143	رن 🐆 🖦		خريد أفر	
i little	i le Male e	الما شيخه	بورك العان ساني	7 0Y -	70 - 01-	الدن مكنوبن وه أو الكرافي أم.» إريش شا و المدرو الموالي المرود المدرو

me he william of the male of the meller

لويورك ليسد فان مع ١١ من ١١٠ من ١١١ من مدين علي المدر على المدر على المدر المد

اردوره اسلسه في عامله المسلم ا